

مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیت اسلامی از نظر قرآن کریم

hojatmahruo@gmail.com

حجت‌الله ماهروبختیاری / دکتری مدیریت دانشگاه اصفهان

محمد مهدی رشیدی / استادیار دانشگاه صنعت نفت تهران

معصومه علی محمدی / دانش‌آموخته جامعه‌الزهرای

دریافت: ۹۷/۰۵/۲۶ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۹

چکیده

آموزش و پرورش نیازمند ابزارهایی برای سنجش و ارزشیابی است. شاخص‌های تربیتی، نوعی ابزار هستند که ریشه در اهداف تربیتی دارند؛ زیرا شاخص‌ها، ابزاری برای رسیدن به اهداف است. این پژوهش با رویکرد نظری و مطالعه اسنادی و با بیان شاخص‌های تربیتی است که از آیات قرآن کریم استخراج شده و می‌توان از آنها در جهت بهبود، رشد و تعالی فعالیت‌های تربیتی بهره گرفت. براساس یافته‌های این پژوهش، مجموعه شاخص‌ها و معیارهای تربیت اسلامی برگرفته از آیات قرآنی را می‌توان تحت سه مؤلفه فرایندهای ذهنی، رفتار و تمایلات دسته‌بندی کرد. شاخص‌های ذیل هر مؤلفه عبارتند از: مؤلفه فرایندهای ذهنی شامل شاخص‌های علم و دانش، تفکر و تعقل، معرفت و بصیرت، نقد و ارزیابی؛ مؤلفه رفتار شامل شاخص‌های تعهد و مسئولیت‌شناسی اجتماعی، عمل‌گرایی، عفت و پاکدامنی، امر به معروف و نهی از منکر و عبادت؛ و مؤلفه تمایلات شامل شاخص‌های حب الهی، ولایت‌پذیری. این شاخص‌ها به شدت با همدیگر مرتبط هستند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان ابزاری مناسب در اختیار نهادها، سازمان‌های آموزشی و مدارس قرار گیرد تا آنان را قادر به ارزیابی فعالیت‌های تربیتی خود نماید.

کلیدواژه‌ها: تربیت اسلامی، مؤلفه، شاخص، قرآن، آرمان‌های تربیتی، نظام‌های تربیتی.

مقدمه

وجود دارد، مشخص شود. در این صورت، می‌توان با در دست داشتن اطلاعات مناسب، اقداماتی برای رفع نواقص و بهبود کیفیت تربیت انجام داد. از این‌رو، نیازمند شاخص‌هایی هستیم که با استفاده از آنها بتوان وضعیت تربیتی موجود را با آن شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار داد. این پژوهش به دنبال ارائه مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی است.

این شاخص‌ها در هر یک از مکاتب تربیتی، با توجه به دیدگاه آن مکتب نسبت به انسان و اهداف تربیتی تدوین می‌شود. به عنوان مثال، در مکتب رفتارگرایی، هدف بررسی رفتار آشکار موجودات زنده است و انسان را نیز همچون دیگر موجودات زنده می‌دانند. از این‌رو، رفتارگرایان هدف از تعلیم و تربیت را کسب یا تغییر رفتارهای مختلف می‌دانند (سیف، ۱۳۷۱، ص ۲۰۵). از سوی دیگر، شناخت‌گرایان توجه خود را معطوف به فرایندهای ذهنی کرده‌اند. از دیدگاه اینان، رفتار حاصل فرایندهای ذهنی است. در این دیدگاه روان‌شناسان به وجه تمایز انسان از سایر حیوانات یعنی عقل، تفکر و سایر فرایندهای ذهنی توجه کرده‌اند (همان). اما در این میان، اسلام نظری جامع ارائه می‌کند. پیامبران ابتدا گرایش‌های فطری و حقیقت‌جویی را در انسان‌ها بیدار می‌کردند، سپس با دادن شناخت و معرفت به انسان‌ها زمینه عمل آگاهانه را فراهم می‌کردند؛ یعنی هر سه مؤلفه گرایش‌ها و تمایلات، شناخت و معرفت (فرایندهای ذهنی) و رفتار از نظر اسلام دارای اهمیت است. شناخت و تمایلات هر دو مقدمه رفتارند، اگرچه که گرایش‌ها به‌تنهایی نیز می‌توانند منجر به رفتار شوند، ولی ضرورت شناخت و بصیرت در رفتار عالمانه مطرح می‌شود.

تربیت در اسلام

اهداف تعلیم و تربیت ناشی و برگرفته از نوع نگرش انسان به جهان و غایت زندگی و ارزش‌نهایی است که انسان باید در تمام زندگی خویش پی گیرد؛ زیرا انسان آفریده خداست. پس غایت زیست انسانی، نمی‌تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت آفرینش انسان، لزوماً با غایت آفرینش جهان اختلاف و تعارضی ندارد، بلکه با آن همسو و یکسان است. قرآن نیز مقصد حرکت را صیوروت عالم و آدم به سوی خداوند معرفی می‌کند: «وَاللَّهُ الْمَصِيرُ» (مائده: ۱۸) و «وَاللَّهُ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۲۸) (اعلم‌الهدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹). تربیت اسلامی نیز جهت الهی دارد و به تمام عوامل مؤثر در

دستیابی به اهداف و آرمان‌های تربیتی، از جمله دل‌نگرانی‌های اصلی هر نظام آموزشی است. در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، به سبب ویژگی اسلامی آن، دستیابی به اهداف تربیت دینی از جایگاهی ویژه برخوردار است. در هر یک از دو بخش آموزش و پرورش، همان‌گونه که در هدف‌گذاری دقت می‌شود، باید شاخص‌های مناسبی نیز با توجه به اهداف انتخاب شود، به‌ویژه در بخش تربیت دینی که هدف‌گذاری آن از متن دین است. با وجود فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی، که هم‌اکنون در مدارس صورت می‌گیرد، ولی ارزشیابی و بازخوردگیری بیشتر مربوط به بخش آموزش است. در این بخش، از انواع ارزشیابی و شاخص‌های آموزشی برای تعیین میزان تحقق اهداف آموزشی استفاده می‌شود. همین امر موجب شده کیفیت آموزش بیش از پرورش بهبود یابد؛ چراکه نوع خاصی از ارزشیابی در فعالیت‌های تربیتی مورد استفاده قرار نگرفته و ارزشیابی از این فعالیت‌ها به صورت صوری و براساس انتظارات اولیای دانش‌آموزان یا قضاوت‌های مدیران و مربیان تربیتی و ناظران انجام می‌گیرد. این امر موجب آسیب‌ها و کاستی‌هایی در نظام حاکم بر آموزش و پرورش شده است، از جمله توجه بیش از حد به ظواهر امور و غفلت از حقایق، سطحی‌نگری در روش‌ها و راه‌کارهای اصلاح و ارتقای تربیت دینی، انتظار نتایج سریع و فوری از تلاش‌ها و اقدامات تربیتی، در محیط‌های تربیتی به صورت تشکیلاتی برخورد کردن و بخشنامه‌های یکسان صادر کردن و... (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

این آسیب‌ها نشان می‌دهد باید به مسائل آموزش و پرورش با دیدی جامع‌تر و نظام‌مند نگرست و توجه داشت که فعالیت بخش آموزش از سازمان به مقیاسی متفاوت بر فعالیت بخش پرورش اثر می‌گذارد و بعکس (استونر و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۴). در این زمینه سؤالاتی مطرح می‌شود از جمله تا چه اندازه فعالیت‌های تربیتی در سطح کلاس درس، مدرسه و نظام آموزشی از مطلوبیت برخوردار است؟

چگونه قوت یا ضعف نظام‌های تربیتی را در مقایسه با یکدیگر می‌توان نمایان ساخت؟ این‌گونه سؤالات نشان می‌دهد که علاوه بر پاسخ‌گویی در بخش آموزش، مدارس باید پاسخ‌گوی فعالیت‌های انجام‌شده در بخش تربیت هم باشند. این امر زمانی معنا خواهد یافت که ارزشیابی جامعی از فعالیت‌های تربیتی صورت گرفته، نواقص و کمبودهای تربیتی و فاصله‌ای که به لحاظ تربیتی تا وضعیت مطلوب و تعالی تربیتی

معصومان علیهم‌السلام صریحاً به آن اشاره شده است. از این رو، استخراج و استنباط شاخص‌های تربیتی از متن دین امری است ممکن و بدون توجه به این شاخص‌ها، سخن از تربیت دینی و نقد و ارزیابی نظام تربیتی موجود در جامعه اسلامی تلاشی است بی‌نتیجه و بدون معیار. اما منبع استخراج این شاخص‌ها عبارت است از: کتاب، سنت و عقل. البته، ارزش و اعتبار کتاب آسمانی، سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام از طریق عقل ثابت می‌شود. همان‌گونه که حجیت و اعتبار عقل هم کاملاً مورد تأیید و تأکید کتاب و سنت قرار گرفته است (همان). شاخص‌های برگرفته از این سه منبع، شاخص‌های تربیت اسلامی است. نتیجه اینکه با به‌کارگیری شیوه علمی استنباط و استنتاج، می‌توان شاخص‌های تربیتی را از منابع سه‌گانه عقل، کتاب و سنت استخراج کرد.

شاخص‌های تربیتی

متغیرهای برنامه‌ریزی آموزشی را شاخص می‌نامند. «شاخص» در لغت به معنای برآمده، فرد ممتاز، نمودار و نماینده، علامت و مشخص‌کننده ظاهر آورده شده است. در برنامه‌ریزی به عنوان علامتی است که مسیر را مشخص می‌کند و ما را در دستیابی به هدف کمک می‌نماید (شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹).

دایرةالمعارف پژوهش‌های آموزشی، شاخص را چنین تعریف نموده است: آماره‌ای مرتبط با سیاست‌های آموزشی که به منظور فراهم آوردن اطلاعات درباره رتبه، کیفیت و عملکرد نظام آموزشی طراحی می‌شود (دایرةالمعارف پژوهش‌های آموزشی، ص ۴۱۰).

بنابراین، شاخص ابزاری است که برای توصیف و درک نظام آموزشی ضروری است، ولی کافی نیست. شاخص‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند مبنای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری قرار گیرد، بلکه با نشان دادن نقاط قوت و ضعف، انجام بررسی‌های کیفی و مشاهدات عینی را در نظام آموزشی الزامی می‌دارد (مشایخ، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲).

یونسکو شاخص‌ها را به دو دسته کمی و کیفی تقسیم کرده و آنها را ابزاری برای اندازه‌گیری و نظارت بر نتایج و دستاوردهای موردانتظار تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که شاخص‌ها میزان موفقیت یا پیشبرد اهداف را نشان می‌دهد.

منظور از شاخص در این پژوهش، عناصر، معیارها و نشانه‌هایی است که مسیر تربیت را مشخص و ما را در دستیابی به اهداف تربیتی کمک می‌نماید. «مؤلفه» در لغت به معنای سازه، سازنده و

اندیشه، رفتار، جسم و روح انسان توجه دارد. تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از:

فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل همه‌جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه‌ای منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای ازپیش‌تعیین‌شده، بنابراین تربیت فرایندی مداوم و پیوسته است که در تمام مراحل زندگی انسان مؤثر می‌باشد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

از آنجاکه در این مقاله، مجال بحث از همه جنبه‌های تربیت اسلامی مانند تربیت عاطفی، سیاسی، اجتماعی، عقلانی، دینی و... نیست، از سوی دیگر، این جنبه‌ها را به طور کامل نمی‌توان از هم تفکیک کرد. از این رو، جنبه‌هایی از تربیت، که بیشتر مربوط به حوزه اخلاق و دین است، بررسی کرده و شاخص‌های آن را ارائه می‌کنیم. هدف تربیت اسلامی رساندن انسان به مقام قرب الهی از طریق تحقق بخشیدن به استعدادها بالقوه و متوازن و متعادل بار آوردن انسان است که بتواند متخلق به اخلاق الهی و انبیا و اولیا شود (همان، ص ۳۸). بنابراین، هدف کلی از تربیت «خداگونه شدن» و رسیدن به مرحله‌ای است که انسان محبوب و مرضی خداوند متعال شود. برای رسیدن به این هدف کلان و اهداف تربیتی دیگر، نیازمند ابزاری تحت عنوان «شاخص‌ها» هستیم. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا اساساً دستیابی و استخراج شاخص‌های تربیتی امکان‌پذیر است و از چه منابعی و چگونه؟

محور اصلی و هدف نهایی همه آموزه‌ها و معارف دینی، تربیت «انسان کامل» با ویژگی‌ها و مشخصاتی است که در منابع اصلی و اصیل دینی بدان تصریح شده است. از منظر قرآن کریم، انسان موجودی ارزشمند و کرامت یافته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) که در بهترین و زیباترین اندازه‌گیری‌ها و قالب‌ها آفریده شده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴)، این انسان باید با برخورداری از توانمندی‌های شگرف و ظرفیت بیکران‌های که در وجود او نهاده شده و با استفاده از هدایت الهی، سیر تکاملی خود را رقم زند و متخلق به اخلاق الهی شود تا غایت خلقت او که رسیدن به اوج خلیفه‌الاهی و خداگونه‌گی است، تحقق یابد (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

در اسلام احکام و دستورات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد که همه مقدمه و ناظر به «تربیت انسان» است؛ یعنی اسلام به تمام ابعاد تربیت توجه داشته و در آیات قرآن کریم و روایات

هریک از ویژگی‌های فوق، می‌تواند به‌عنوان یک شاخص مستقل تلقی شود. در این پژوهش، از ویژگی‌های فوق، به دو شاخص «عفت و پاکدامنی» و «تواضع و فروتنی» بررسی می‌شود. رعایت موازین اخلاقی و شرعی توسط زنان و مردان نامحرم در برخورد با یکدیگر، توجه به حریم‌ها و حرمت‌های متقابل و پاکدامنی و عفت در رفتار، نگاه، پوشش و... (نور: ۳۰-۳۱) از مهم‌ترین شاخص‌های تربیت دینی است. نقض این حرمت‌ها و حریم‌ها در قالب‌ها و عناوین فریبده، که در غرب و جوامع غرب‌زده به یک هنجار تبدیل شده، ویژگی‌های دوران نوجوانی و جوانی و نیز گسترش ارتباطات و عوامل هجوم اخلاقی و فرهنگی غرب، ضرورت توجه به این شاخص تربیتی را در آموزش و پرورش مضاعف می‌سازد. همچنین براساس آیات ۱۸ و ۱۹ سوره «لقمان»، آیه ۵۴ «مأثمه» و آیه ۳۶ سوره «نساء»، اجتناب از خودنمایی، فخرفروشی، برتری‌طلبی و خودبزرگ‌بینی و برخورداری از تواضع و فروتنی در برابر پدر، مادر و معلم از شاخص‌های مهم تربیت دینی است (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۵۷) که توجه بدان در نظام تربیتی آموزش و پرورش ضروری است.

کسانی که «تعبد» را در برابر «تعقل» می‌پندارند، در حقیقت معنای تحریف‌شده عبادت را پذیرفته‌اند و گونه روح تعبد راستین، جز بر مبنای تعقل و معرفت حقیقی، نمی‌تواند تحقق یابد که «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) یعنی معرفت، شناخت و تعقل انسان را به سوی تعبد می‌کشاند.

۲. **بینش و بصیرت:** «بصیرت» در لغت به معنای بینش و بینایی است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۲۷۱) و در اصطلاح، روشن‌بینی در دین است (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۳)؛ زیرا بصیرت چراغ راهی است که در تاریکی‌ها راه را بر انسان روشن می‌سازد و او را از خطر افتادن و لغزش نگره می‌دارد. برای کسب بصیرت در دین باید در دو ناحیه تلاش کرد:

الف. ناحیه علم و آگاهی: هر قدر انسان با معارف و آموزه‌های دینی و الهی و با محتوای پیام خداوند، قرآن کریم، گفتار، عمل و سیره معصومان علیهم‌السلام بیشتر آشنا گردد زمینه بصیرت و روشن‌بینی در دین بیشتر برای او فراهم می‌گردد. همچنین، مطالعه و تفکر در اصول اعتقادی به این امر کمک می‌کند.

ب. ناحیه عمل و به کار بستن آگاهی‌ها: عمل به آنچه از دین فراگرفته‌ایم، به‌ویژه انجام واجبات و ترک محرمات، که درجه‌ای از تقوا و پرهیزگاری می‌باشد، در کسب بصیرت و روشن‌بینی نقش

تشکیل‌دهنده است (حقوق‌شناس، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵) و در اصطلاح، تعدادی امور مشابه، تحت یک سازه را مؤلفه می‌نامند. در این پژوهش، شاخص‌های مرتبط به هم تحت یک مؤلفه قرار می‌گیرد. اکنون پس از بیان توضیحات لازم با استناد به آیات نورانی و هدایتگر قرآن کریم، شاخص‌های اساسی تربیت اسلامی عبارتند از:

۱. **عبادت:** یعنی: «انجام کاری به انگیزه و قصد تقرب الی‌الله». بنابراین، روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۵۱۹). عبادت در اصطلاح دو نوع است: عبادت خاص و عبادت عام. نوع اول صرفاً بر اعمال شرعی خاصی نظیر نماز و روزه اطلاق می‌شود که به اصطلاح، علم اصول «تعبدی» مقابل «توصلی» نامیده می‌شود و منظور از عبادت عام «هرگونه عملی است که به انگیزه قرب الهی انجام می‌گیرد» و مراد در اینجا همان معنای عام است که معنای اول را نیز دربر می‌گیرد (همان، ص ۵۲۰).

حاصل اینکه عبادت تنها راه قرب الهی است و هرگونه عملی که مقدمه قرب باشد، مانند گرایش‌ها و تمایلات، دارای کمال مقدمی است. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام سودمندترین عبادت را انجام واجبات معرفی می‌کند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸، حکمت ۱۱۳). براساس نظر **آیت‌الله جوادی آملی** عبادت دو نوع است: عبادت بدنی و عبادت روحی، که در قرآن به هر دو مورد اشاره شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵). قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (جن: ۵۶)؛ جن و انس را فقط برای اینکه مرا پرستند آفریدم. آیه کریمه هدف آفرینش را در «عبادت» منحصر می‌کند و حقیقت عبادت هم «تقرب» است، در نتیجه تنها هدف اصلی آفرینش «قرب الی‌الله» است. عبادت به معنای قرآنی آن، از اصلی‌ترین شاخص‌های تربیت اسلامی است. آنچنان که آیات ۶۳ به بعد سوره «فرقان»، «عبادالرحمان» را توصیف می‌کند، بسی شاخص‌ها و معیارهای تربیت اسلامی در همین عنصر ممتاز و برجسته نهفته است. این معنای عمیق و گسترده از عبادت که در عمق خود، انسان را به سوی ربوبیت سوق می‌دهد، متکی بر عناصر بینشی و اعتقادی و ارزش‌های فردی و اجتماعی است.

تواضع، انفاق، شب‌زنده‌داری و مناجات با خدا، رفق و مدارا، برخورد کریمانه با افراد نادان، عفت و پاکدامنی، رعایت حق حیات انسان‌ها، توجه به اهداف تربیتی در خانواده و ارزش‌هایی از این دست، خصوصیات و صفات عابدان است (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

۳. **علم و دانش:** می‌توان به اجمال علم را چنین تعریف نمود: «حضور شیئی یا صورت آن نزد عالم». حضور خود شیء در علم حضوری است و حضور صورتش در علم حصولی (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۴۱۸).

بنابر تعریف دیگر، علم نقطه مقابل جهل و به معنای وضوح و ثبوت چیزی آمده است (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۶۳). قرآن کریم در آیه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) به برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در آیه دیگری می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴): بگو پروردگارا علم مرا بیفزای. به پیامبر اکرم ﷺ نیز امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند و در آیات دیگر قرآن کریم (بقره: ۲۸۰؛ نحل: ۹۵؛ عنکبوت: ۱۵) همواره کسانی را که اهل علم و آگاهی نیستند، سرزنش می‌کند و همین علت بسیاری از کاستی‌های دیگر شمرده می‌شود. علاوه بر آیات قرآن کریم، صریح‌ترین توصیه‌های رسول خدا ﷺ درباره علم است. این جمله از مسلمات همه مسلمانان است که رسول خدا ﷺ فرمود: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم». تعلیم و دانشجویی بر هر مسلمانی فرض و واجب است و اختصاص به طبقه یا جنس خاصی ندارد. هر کس مسلمان است، باید دنبال علم برود. همچنین فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصحین»؛ علم را بی‌جویی کنید ولو مستلزم این باشد که تا کشور چین سفر کنید؛ یعنی علم مکان معین ندارد، هر نقطه جهان که علم است، بروید و اقتباس کنید. در جایی دیگر فرمود: «كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهِيَ أَحَقُّ بِهَا» سخن علمی و حکیمانه، گمشده مؤمن است هر جا آن را بیابد برمی‌دارد، مؤمن نیز علم را متعلق به خود می‌داند، در دست هر کس ببیند آن را می‌گیرد. از نظر اسلام، علم فریضه‌ای است که از لحاظ متعلم، معلم، زمان و مکان محدودیت ندارد. این عالی‌ترین توصیه‌ای است که می‌توانسته بشود و شده است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۷۶). البته، آنچه امروزه غالباً به عنوان مصرف‌مقلدانه دانش دیگران در مراکز آموزشی ما می‌گذرد، فاصله زیاد ما با تربیت اسلامی و تولید علم و تفکر علمی که در اسلام مطرح است و ریشه در منابع اسلامی دارد، نشان می‌دهد (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

۴. **تفکر و تعقل:** اهل نظر فکر را «قوه کوبنده علم به سوی معلوم» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹، ص ۶۴۳)، تفکر را «کوشش این قوه بر حسب نظر عقل» (همان)، «زیربنای حیات انسانی» (طباطبائی،

کلیدی دارد، اصولاً بصیرت از ثمرات و آثار مستقیم تقوا و پرهیزگاری است (همان، ص ۹۴).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹)؛ اگر تقوا پیشه سازید، خداوند قوه تشخیص و جداسازی حق از باطل به شما عنایت می‌کند. بنابراین، تربیت اسلامی مستلزم عمل‌گرایی و برخورداری از روحیه تلاش و فعالیت و مجاهدت در راه خداست. قرآن کریم در آیه ۱۵ سوره «حجرات» می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» و همچنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)، نتیجه‌بخش بودن قطعی مجاهدت در راه خدا را مورد تأکید قرار می‌دهد و کسانی را به راستی مسلمان می‌داند که با پشتوانه و دستمایه ایمان و معرفت به جهاد و تلاش می‌پردازند. البته، نگاه اسلام به عمل، تنها جنبه کمی و فیزیکی آن نیست، بلکه برخورداری از اخلاص و صداقت، روح عمل و عامل ارزش یافتن آن تلقی می‌شود. اگر خلقت جن و انس برای عبادت بوده است، حقیقت این عبادت، بدون معرفت تحقق نخواهد یافت (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۱۸، ص ۳۹۴). بنابراین، میزان عمل‌گرایی دانش‌آموزان، خود به عنوان یک شاخص مطرح می‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ از سوی خدا مأمور می‌شود صریحاً اعلام کند که حرکت او و پیروانش بر مبنای بصیرت و روشن‌بینی است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸)؛ بگو این راه من است، من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. در این آیه، خداوند به پیامبر خویش می‌فرماید: اعلام کن راه خدا، دعوت به توحید خالص همراه با بصیرت و بینایی است. اگر کسی می‌خواهد به آن قله رفیع برسد، باید به دعوت پیامبر خدا پاسخ مثبت دهد. نکته‌ای که در این آیه شایان توجه است، این است که بار دعوت به سوی خداوند تنها بر دوش پیامبر نیست، بلکه بر دوش پیروان او نیز هست. البته، کسی می‌تواند این منصب سنگین و بزرگ را عهده‌دار گردد که مانند پیامبر از هر شرکی پاک شده و دارای علم و بصیرت و یقین به مقام خداوند باشد. براساس کریمه «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶)، راه رشد و کمال از مسیر انحطاط و گمراهی باز شناخته شده است. از این‌رو، اساس حرکت انسان به سوی کمال و رشد بدون بینش و بصیرت ممکن نیست.

۵. نقد و ارزیابی: نقد به معنای جدا کردن خوب از بد و ظاهر ساختن عیوب یا محاسن کلام است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۱۱۶۷). ارزیابی عبارت است از مقایسه آنچه که انجام شده، با آنچه که باید انجام گیرد، برای شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۲۸۵). قرآن کریم در آیه «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانُوا آبَائُهُمْ لَمْ يَلْعَنُوا شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره: ۱۷۰) با اشاره به استدلال مشرکان، که پیروی روش پدرانشان را برای رد دعوت پیامبران مطرح می‌کنند، تلویحاً آنان را به بازنگری و ارزیابی روش و مسلک گذشتگان فرامی‌خواند که اگر روش آنان با معیارهای فطری و عقلی سازگار بود آن را بپذیرند و الا نه.

در آیه دیگر «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴) دقت و نگاه نقادانه در مهم‌ترین کارهای حیاتی انسان را گوشزد کرده و نسبت به تبعیت و تقلید کورکورانه و محض دیگران هشدار می‌دهد. در روایات همچنین موضوع نقد و بازنگری مستمر و محاسبه نفس را بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «فحاسب نفسك لنفسك فإن غيرها من الانفس لها حسيب غيرك» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، خطبه ۲۲۲)؛ پس اکنون به خاطر خودت حساب خویش را بررسی کن؛ زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند.

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز که می‌تواند به عنوان شاخص مستقلى مطرح شود، مستلزم نقد و ارزیابی مستمر اوضاع جامعه اسلامی است. پرورش روحیه نقد و ارزیابی در دانش‌آموزان، آنان را به سمت تفکر، تحقیق و پژوهش سوق می‌دهد.

۶. ولایت‌پذیری: «ولایت» از ماده «ولی» به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است، به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد؛ یعنی اگر دو چیز آنچنان به هم متصل باشند که هیچ فاصله‌ای در میان آنها نباشد، «ولی» به کار برده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۳۶). در تعریف دیگر، «ولایت» به معنای تصدی و صاحب‌اختیاری است و از نظر اسلام دو نوع ولایت وجود دارد: الف) ولایت منفی؛ که اجتناب از همدلی با کفار و منافقان و طاغوت است. ب) ولایت مثبت که در راستای ولایت الهی است (همان، ص ۴۲).

قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره «نساء» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید از خداوند و رسول او و صاحبان امر از ایشان. و همچنین در آیه ۴۴ سوره «کهف» می‌فرماید: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ

۱۳۶۲، ج ۵، ص ۲۵۹) و «شگفت‌انگیزترین اعمال ذهنی» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۹۹) بشر معرفی کرده‌اند. تفکر به معنای «رسیدن به مجهول و حل آن از طریق معلومات متناسب» در اسلام پایگاه ارزشمندی دارد (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۸۶). به فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام: «تفکر انسان را به سمت نیکویی و عمل دعوت می‌کند تا آنجا که ساعتی تفکر برتر از عبادت یک سال برشمرده شده است» (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۱۱). اساس پذیرش دین تعقل، تفکر و انتخاب آگاهانه است و بر همین مبنا، اصول دین تعبدی نیست. از نظر اسلام، انسان با توانایی برگرفته از عقل و اندیشه به عمق امور پی می‌برد. اینکه در قرآن و روایات، پرورش این توانایی و استفاده از آن در فهم دین مورد تأکید قرار گرفته، نشان‌دهنده نقش عقل در فهم حقایق و تکالیف دینی است. در قرآن تفکر و تعقل، هدف فهم آیات الهی است. این شاخص به عنوان یک شاخص زیربنایی اگر به آن توجه نشود، ریشه‌ها و بنیه اصلی تدین دچار فروکاهی و سستی خواهد شد: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴)؛ آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است. قرآن کریم مردمان را حتی به تدبر و تأمل در آیات الهی فرامی‌خواند و کسانی را که بدون تعقل و ژرف‌اندیشی با آیات خدا برخورد می‌کند، مورد سرزنش قرار می‌دهد. این کتاب آسمانی تنها برای تلاوت نیست، بلکه هدف نهایی آن ذکر «یادآوری»، «تدبر» (بررسی عواقب و نتایج کار)، «انذار» (بیم دادن) و خارج کردن انسان‌ها از ظلمت به نور هدایت است که در آیات متعدد به آنها اشاره شده است. همچنین در آیات «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲)، «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک: ۱۰) علت انحطاط اهل دوزخ، عدم تعقل می‌باشد. بنا به فرموده قرآن کریم، اولین گام در قیام لله تفکر است (سبأ: ۴۶) و انسان به تفکر در خویشتن و جهان اطراف خود دعوت شده است: «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت: ۵۳). بنابراین، بدون تفکر رشد الهی انسان تحقق نمی‌یابد و تفکر ابزاری است که آدمی را از تاریکی جهل به سوی روشنایی علم و معرفت خارج ساخته و بینش و وسعت نظر به او می‌بخشد؛ یعنی انسان با تفکر در خداوند، خویشتن و جهان اطراف به معرفت و بینش نایل خواهد شد. پرورش قوه تفکر دانش‌آموزان، آنها را به سمت و سوی نقد و ارزیابی و تحقیق و پژوهش می‌کشاند.

ص ۳۴). محبت راهی است به سوی هم‌شکلی و همسانی و محبت طریقی است برای دستیابی به کمال مطلوب. بنابراین، دوست داشتن نیازی اصیل برای آدمی است. آمیختگی فطرت انسان با محبت، دلیلی است بر وجود محبت در ذات اقدس الهی؛ زیرا نمی‌توان پذیرفت که محبت بدون آنکه در خداوند سبحان باشد آن را در آدمی به ودیعت بگذارد. به عبارت دیگر، وقتی خداوند به بنده‌ای از رحمت بیکران خود لطف می‌کند، در حقیقت او را مورد محبت خویش قرار داده است.

برای یک فرد مسلمان، مهم‌ترین شاخص رشد و تعالی اخلاقی و تربیتی این است که محبوب خدا باشد و با رفتار و ویژگی‌های خود، حب الهی را به دست آورده باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱). رسیدن به این نقطه، مستلزم پیروی و تبعیت محض از نمود عالی و عینی اسلام؛ یعنی نبی اکرم ﷺ شمرده شده است. از سوی دیگر، این شاخص زیربنای سایر شاخص‌هاست. اینکه امام صادق ﷺ می‌فرماید: «هل الدين الا الحب؟» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص ۹۵)، اساس و جوهر دین در حب و عشق خلاصه شده است. مطلب گزافی نیست و در تربیت اسلامی ریشه‌دار کردن این محبت و تأکید و توجه قلبی و عشق درونی در حضرت حق، ارزشی اساسی است. البته تقویت، تعمیق عشق و حب حقیقی، در گرو معرفت و عبادت است که بدون این دو عنصر، حب الهی از سطح احساس غریزی و فطری چندان فراتر نخواهد رفت. همچنان که قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵)؛ کسانی که ایمان آورده‌اید شدیدترین حبشان به خداست.

۸. **تعهد و مسئولیت‌شناسی اجتماعی:** منظور از تعهد و مسئولیت‌شناسی اجتماعی این است که دانش‌آموزان پس از آموزش بتوانند در جامعه اظهارنظر، ایفای نقش و انتقاد سازنده کنند و مهارت‌های اجتماعی، همچنین روحیه گروه‌گرایی دانش‌آموزان در پی آن حس همکاری و مشارکت تقویت شود (سلطانی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵).

از مهم‌ترین شاخص‌های تربیت اسلامی، احساس وظیفه در برابر جامعه و توجه به تعهد و مسئولیت اجتماعی است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (کهف: ۷۱)، امر به معروف و نهی از منکر که برخاسته از رابطه برادری اسلامی و ولایت متقابل اعضای جامعه است و ضرورت حفظ و حراست از حدود الهی در جامعه که در آیات فراوانی

لِلَّهِ الْحَقُّ؛ ولایت از آن خداوند بر حق است. این آیات بیانگر آن است که یکی از خصوصیات تربیتی فرد مسلمان، پذیرفتن ولایت خداوند متعال، رسول اکرم ﷺ و معصومان ﷺ و کسانی است که در ویژگی‌ها و خصوصیات اعتقادی و علمی و رفتاری در مسیر آن بزرگواران قرار دارند. ولایت‌پذیری به معنای زورپذیری و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر نظام حکومتی و حکومت‌کنندگان نیست، بلکه به معنای قبول حاکمیت علم و عدالت و مشارکت برای تحقق شایسته‌سالاری و اشراف نخبگان ذی‌صلاح بر زمام امور جامعه است (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۵۰).

این شاخص، به‌ویژه در جوامعی همچون جامعه ما که در گذشته‌های طولانی از حاکمیت زورمندان و مستبدان رنج برده‌اند و خودبه‌خود روحیه‌ای ضدنظام حکومتی در لایه‌های ذهنی جامعه شکل گرفته است، بسیار ظریف و حساس است و تعمیم و تعمیق ولایت‌پذیری مبتنی بر بصیرت، معرفت و تعقل و نقادی، کاری است دشوار و در عین حال ضروری. قرآن کریم در همین زمینه در آیه ۳۵ سورة «احزاب»، پس از آنکه اوصاف اصلی مردان و زنان مؤمن را برمی‌شمارد، بلافاصله سخن از ولایت‌پذیری به میان آورده و می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (نساء: ۳۶)، تأملی در سیاق این دو آیه و ترتیب آن نشان می‌دهد، تحقق اوصاف برجسته ایمانی شرط لازم برای تحقق ولایت‌پذیری در حد اعلائی آن است (همان)؛ یعنی افرادی شاخص ولایت‌پذیری را دارند که دارای صفات عالیه ایمانی باشند که زیربنای آن معرفت و بصیرت است. کسانی که ولایت‌پذیری را تنها برای عوام لازم می‌شمارند، در حقیقت به مقتضای معنای عوامانه ولایت، داوری می‌کنند و گرنه در معنای حقیقی ولایت این عقلا و نخبگان اند که در صف مقدم ولایت‌پذیری قرار دارند.

۷. **حب الهی:** شهید مطهری به نقل از کتاب *احیاء علوم‌الدین غزالی*، حب و بغض را این‌گونه تعریف می‌کند: «حب عبارت است از میل طبع به شیئی که در ادراکش لذت است و بغض عبارت است از نفرت طبع به شیئی که در ادراکش درد، تعب و سختی نهفته باشد» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۷۵).

در جای دیگر شهید مطهری، به نقل از *صدرالمتألهین* محبت را چنین تعریف کرده‌اند: «محبت عبارت است از ابتهاج (بهجت و سرور) به شیئی که موافق با طبیعت انسان باشد، اعم از اینکه آن شیء یک امر عقلی باشد یا حسی، حقیقی باشد یا ظنی» (همان،

استنباط و استنتاج پدیده‌های شناختی یا آنچه در ذهن انسان می‌گذرد مورد توجه قرار می‌دهند. برخلاف رفتارگرایان برای شناخت‌گرایان رفتار آشکار فرد مورد توجه نیست، بلکه علاقه آنان بیشتر معطوف به فرایندهای ذهنی است که به اعتقاد آنان رفتار ناشی از آنهاست. از این‌رو، هدف تعلیم و تربیت برای شناخت‌گرایان تغییرات حاصل در فرایندهای درونی و ذهنی شخص است، نه ایجاد تغییر در رفتارهای آشکار او (همان، ص ۲۰۶).

گرچه شناخت‌گرایان به فرایندهای ذهنی، که یکی از مبانی اصلی شکل‌گیری رفتار است توجه دارند، ولی از تمایلات و علائق غافل شده‌اند. از سویی، فرایندهای ذهنی به راحتی قابل سنجش و اندازه‌گیری نیستند.

مکتب اسلام از جهتی مشابه رفتارگرایان و شناخت‌گرایان و از جهتی دیگر متفاوت با آنان است؛ زیرا اسلام به رفتارهای دینی و فرایندهای ذهنی توجه داشته و این دو را با تمایلات و انگیزه‌ها نیز آمیخته می‌سازند. تأملی در روش تربیتی پیامبر اکرم ﷺ مؤید این مطلب است. ایشان در سنین پایین که شروع تربیت دینی است و استفاده از استدلال عقلانی (شناخت) ممکن نیست، به جای تکیه بر برهان و استدلال ابتدا بر عمل تکیه می‌کردند و با مهربانی و لطافت کلام، مردم را قلباً به دین متمایل می‌کردند و پیش از بحث و گفت‌وگو درباره دین، فلسفه و فواید آن، به اقامه نماز دعوت می‌کردند؛ یعنی عمل همراه با ایجاد علاقه و انگیزه و سپس باب بحث و گفت‌وگو را می‌گشودند (سعیدی و کیایی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵). اگرچه استدلال عقلی و اقامه برهان، می‌تواند بعد شناختی دین (اعم از شناخت خداوند، جهان، انسان و معاد و...) را بهبود بخشد و به استحکام آن کمک کند، اما به‌تنهایی دانش‌آموزان را به انجام دادن عمل و تکالیف دینی و التزام به بایدهای دین ملزم نمی‌کند. اگرچه عقل، شناخت و معرفت پشتوانه محکمی برای از بین بردن تردیدهای دینی است و از دین‌داری احساسی و تقلیدی و بسیاری از آسیب‌های دین‌داری پیشگیری می‌کند، اما استدلالی عمل کردن دلیل بر وجود انگیزه درونی برای عمل نیست. از این‌رو، مریبان باید ابتدا با فراهم کردن محیط مناسب و ارائه الگوهای تربیتی و ایجاد عادات نیک و بیدار کردن فطرت‌ها، زمینه تربیت دینی را فراهم کنند و سپس برای فراهم شدن پایه‌های اعتقادی و از میان بردن تردیدها و پرهیز از دین‌داری سطحی دانش‌آموزان، به مباحث عقلی و اقامه

از قرآن کریم بیان شده است، اهمیت این شاخص را نشان می‌دهد. اسلام نه‌تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند مسئول و متعهد می‌داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می‌داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسئول نیستی، تو در مقابل اجتماع خویش نیز مسئولیت و تعهد داری (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱۷، ص ۶۶). با نگاهی بر آیات زیر روشن می‌شود که انفاق و تأمین مایحتاج نیازمندان، آن‌هم بدون منت و آزار روحی به آنان، اصلاح بین مردم در منازعات، اختلافات و توجه به یتیمان و افراد بدون سرپرست، از مصادیق دیگر این شاخص مهم است که در آیات قرآن بر روی آن تأکید شده است:

– «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْغُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى...» (بقره: ۲۶۴)؛
ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدقات خود را با منت و اذیت باطل نکنید.
– «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (حجرات: ۱۰)؛
همانا مؤمنان برادر یکدیگرند، پس بین برادران خویش را اصلاح کنید.
– «وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ» (نساء: ۸)؛ اگر به هنگام تقسیم ارث خویشاوندان و یتیمان و مستمندان حضور داشته باشند چیزی از اموال به آنها بدهید.

نقد و بررسی

هریک از مکاتب تربیت در گذشته و حال، هدف‌هایی را برای فرایند تعلیم و تربیت معرفی می‌کنند. در این نوشتار، به دو مکتب مهم روان‌شناسی، یعنی مکتب رفتارگرایی و شناخت‌گرایی اشاره شده است. به نظر رفتارگرایان، هدف تعلیم و تربیت، کسب رفتارهای مختلف است و پدیده‌های دیگر روان‌شناختی از جمله احساس، ادراک، اندیشه و سایر فرایندهای ذهنی را در پرتو رفتار آشکار مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. به همین دلیل روان‌شناسان یادگیری را تغییر در رفتار تعریف می‌کنند (سیف، ۱۳۷۱، ص ۲۰۵). محدودیت این دیدگاه آن است که توجهی به ذهن و فرایندهای آن و تمایلات، علایق و انگیزه در دانش‌آموزان ندارد و تنها بر اساس رفتارهای شخص در مورد ذهن یا نگرش او قضاوت می‌کند. از جمله محاسن این دیدگاه آن است که چون رفتار قابل مشاهده و عینی است، با آزمون‌ها و مشاهده به راحتی می‌توان رفتار فرد را اندازه‌گیری کرد. شناخت‌گرایان، رفتار را به صورت وسیله یا سر نخ برای

عبادتی جز با شناخت ارزش ندارد» در اسلام آن قدر علم و علما ارزشمندند که حتی نگاه کردن به چهره عالم هم عبادت شمرده شده است (همان، ج ۱، ص ۳۴۲۳).

در مجموع می‌توان گفت: فرایندهای ذهنی (شناخت و معرفت) و انگیزه و تمایل به انجام عمل، مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری رفتار به‌شمار می‌روند. هرچه شناخت و معرفت بیشتر شود، حبّ الهی و گرایش‌های اصیل و فطری در انسان قوی‌تر شده و انسان را به سوی عمل صالح می‌کشاند. نمود عینی تربیت در رفتار است. بنابراین، اگر بخواهیم دانش‌آموزان ما تربیت اسلامی داشته باشند، باید بر زیربناهای رفتار یعنی معرفت و تمایلات و حبّ الهی تأکید کرد. البته این به معنای آن نیست که توجهی به رفتار نکنیم. تربیت مبتنی بر اسلام مثالی است که سه ضلع آن رفتار، فرایندهای ذهنی (معرفت و شناخت) و تمایلات و انگیزه‌هاست. هر سه ضلع این مثلث برای تربیت لازم و مکمل یکدیگر بوده و جهت آنها هم به سمت توحید و یگانگی خداوند است.

پیشنهادها و توصیه‌های کاربردی

۱. مدیران آموزشی در ابتدا باید متخصص تعلیم و تربیت، معلم و مربی باشند و به جای کنترل آگاهی، به پرورش آگاهی‌ها و تربیت و آماده‌سازی دانش‌آموزان بپردازند.
۲. شناسایی فزاینده مدیریت و مدیران آموزشی، به‌عنوان ابزاری برای تحقق هدف‌های تربیتی.
۳. باید برنامه‌ریزی‌های تربیتی بر اساس باورهای ارزش‌مدار و بر مبنای دین اسلام صورت گیرد.
۴. برنامه‌ریزی برای افزایش نقش تربیتی خانواده و همکاری فعال مدرسه با خانواده در انجام ارزیابی تربیتی.
۵. انجام تحقیقات کاربردی تربیتی در آموزش و پرورش.
۶. مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارائه‌شده طی یک یا چند پژوهش دیگر عملیاتی شود.
۷. افزایش ارتباط متقابل اولیا با متخصصان علوم تربیتی و عالمان دینی برای اصلاح برخی نگرش‌های غلط تربیتی.

برهان بپردازند. بنابراین، آنچه رفتار را شکل می‌دهد تنها لایه‌ها و فرایندهای ذهنی فرد که ناشی از علم و دانش اوست نیست، بلکه معرفت و شناخت و علاقه، انگیزه و تمایل به انجام کار، رفتار فرد را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، مجموع فعالیت‌های روانی، احساسات، افکار (شناخت) و عواطف‌اند که رفتار و کردار هر فرد، نمودار و ترجمان آن فعالیت‌هاست. آیات و روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند.

از نظر اسلام، انسان علاوه بر غرایز حیوانی مشترک، دارای ویژگی‌های مختص، نظیر حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌طلبی، جامعه‌گرایی و خداپرستی است که اصالتاً و فطرتاً در نهاد وی نهفته است. همچنین خداگرایی و تعلق قلبی به ماورای طبیعت به‌ویژه دین فطری و ذاتی انسان است: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)؛ فطرت خداوند که فطرت انسان‌ها هم بر اوست. بنابراین، گرایش‌های ویژه انسان فطری و اصیل است و این ادعا ریشه و هسته محوری معارف اسلام است (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱۷، ص ۲۴۰). کمال انسان رابطه خاصی با نیت (انگیزه انجام عمل)، که برخاسته از این گرایش‌هاست دارد. در روایات آمده است: «إنما الاعمال بالنيات» (شانه‌چی، ۱۳۸۰، ص ۳۵)؛ همانا قوام عمل به نیت و انگیزه‌هاست. نیت عبارت است از: انگیزه آگاهانه که در تحقق فعل تأثیر دارد. از این‌رو، گرایش، انگیزش و تمایل‌ها از ابعاد مهم شخصیت انسان است و نقش بنیادین در رفتار دارد. تعلیم و تربیت می‌تواند با تنظیم این گرایش‌ها، ترجیح مهم‌ترین آنها و نیز تقویت گرایش‌های عالی انسانی و فطرت الهی در راه تربیت انسان کامل گام بردارد. همچنین روایات ما بیانگر آن است که شناخت و عمل در کنار هم مفیدند و امیرمؤمنان علی^ع می‌فرمایند: «از ایمان راه به سوی کارهای شایسته برده می‌شود و از کارهای شایسته راه به سوی ایمان (ایمان و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند) و با ایمان است که علم و معرفت آباد می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۹). یا در روایت دیگر، پیامبر اکرم^ص می‌فرمایند: «ایمان گفتاری است که به زبان رانده شود و عملی که صورت پذیرد و شناخت به وسیله خردها» (همان، ص ۳۶۲). نیز در برخی روایات، از عمل بدون شناخت نکوهش شده است. امیرمؤمنان علی^ع می‌فرمایند: «در عبادتی که با شناخت توأم نباشد، خیری نهفته نیست» (همان، ج ۷، ص ۳۴۱۵).

امام سجاد^ع نیز همین سخن را چنین بیان کرده‌اند: «هیچ

سلطانی، ایرج، ۱۳۸۰، «ارائه الگوی پویای ارزیابی رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان»، *مدیریت در آموزش و پرورش*، ش ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰، ص ۲۳۶-۲۷۲.

سیف، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، *اندازه‌گیری و ارزشیابی تحصیلی*، تهران، آگاه. شانه‌چی، کاظم، ۱۳۸۰، *علم‌الحديث و درایة‌الحديث*، قم، دارالحدیث. شعبانی، حسین، ۱۳۸۲، *مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران، رشد. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۲، *المیزان*، تهران، دارالکتب الاسلامیه. عمید، حسن، ۱۳۶۳، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر. کاردان، علی‌محمد و همکاران، ۱۳۸۲، *فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، سمت. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحارالانوار*، بیروت، دارالوفاء. محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷، *میزان‌الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.

مشایخ، فریده، ۱۳۷۹، *دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران، سمت. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *انسان کامل*، تهران، صدرا. _____، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ج ۵. _____، ۱۳۶۹، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ج ۱۷. _____، ۱۳۷۶، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا. _____، ۱۳۷۸، *ولاعها و ولایتها*، تهران، صدرا. _____، ۱۳۸۰، *ده گفتار*، تهران، صدرا.

Encyclopedia of Educational Research, V. 12, N, Y, Macmillan, Publishing Comp.

منابع.....

نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع). ابراهیم‌زاده، عیسی، ۱۳۸۳، *فلسفه تربیت (رشته علوم تربیتی)*، تهران، دانشگاه پیام نور.

استونر، جیمز ای. اف. فری و دیگران، ۱۳۷۹، *مقدمه‌ای بر مدیریت، مدیریت در قرن بیست و یکم، برنامه‌ریزی*، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

اعرافی، علیرضا و همکاران، ۱۳۸۰، *مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع)*، تهران، تربیت اسلامی.

اعلم‌الهدی، جمیله، ۱۳۸۶، *اهداف تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، *تفسیر موضوعی قرآن*، قم، اسراء.

حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران، ۱۳۸۳، *فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر.

ذوعلم، علی، ۱۳۸۰، *تساخ‌های تربیت دینی از نگاه قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۹، *المفردات*، تحقیق و ضبط محمد سیدگیلانی، تهران، المرتضویه.

سجادی، سیدمهدی، ۱۳۸۴، «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۱۱.

سعیدی، محمود و عدرا کیانی‌نژاد، ۱۳۸۲، *بررسی عوامل تأثیرات نامطلوب درس‌بینش اسلامی*، تهران، محراب قلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محبت؛ رمز سیره تربیتی امام خمینی علیه السلام

F.akbarzadeh7070@gmail.com

f.ramin@qom.ac.ir

فاطمه اکبرزاده نجار / کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم

فرح رامین / دانشیار دانشگاه قم

پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۸

دریافت: ۹۷/۰۴/۰۲

چکیده

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با بازکاوی مفهوم تربیت آغاز شده و با اشاره‌ای گذرا به برخی روش‌های تربیتی، بیان می‌دارد که گرچه اتخاذ روش تربیتی مناسب در گرو شناخت استعدادها و روحیه‌های مختلف متربیان است؛ اما یکی از مؤثرترین روش‌ها در تربیت، روش محبت و مهرورزی است. از منظر امام خمینی علیه السلام هستی به رحمت و محبت وجود یافته و وجود مظهر رحمت حق است. محبت و مهرورزی قوای خفته انسان را بیدار و نیروهای مهارشده را آزاد می‌گرداند، نفس انسان را تکمیل و موجب شکوفایی استعدادهای آدمی می‌گردد. از این رو، امام راحل بر این باور است که هدایت بدون محبت تمام نیست و مهرورزی به موجودات و هدایت آنان از لوازم محبت الهی است. در شاکله تربیتی امام راحل محبت به گونه‌های مختلف در گفتار و کردار ایشان به منصفه ظهور می‌رسد. راز تربیت امام راحل در انس و صمیمیت با متربی نهفته و ذکر جلوه‌ها و نمونه‌های این محبت و انس در زندگی ایشان، رسالت این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی علیه السلام، تربیت، محبت، انس، تکافل.